

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: آدریان روخاس
برگردان: مجله جنوب جهانی
فرستنده: عثمان حیدری
۲۱ می ۲۰۲۵

ساخت امریکا با هزینه جنوب؟ تعرفه‌های ترمپ و مبادله نابرابر



پیشنهادهای تعرفه‌ای دولت ترمپ، علاوه بر ایجاد بی‌ثباتی مالی و دیپلماتیک عظیم در روزهای اخیر، اثر جانبی جالبی نیز داشته است. نه تنها در میان جناح چپ، بلکه در محافل محافظه‌کار نیز، بسیاری مجبور شده‌اند اعتراف کنند که سطح مصرف جمعیت امریکا تا حد زیادی به واردات محصولات ارزان بستگی دارد. یا به عبارت دیگر: این که شرایط زندگی کنونی جمعیت امریکا بدون وجود جریان عظیم کالاهای ارزان از بقیه جهان غیرقابل تصور خواهد بود. اذعان به این حقیقت بدیهی، حتی در میان صفوف جنبش کمونیستی که عادت به «تبرئه» پرولتاریای کشورهای غربی از هرگونه مشارکت در ثمرات غارت امپریالیستی دارند، معمولاً طعم تلخی دارد. با این حال، نیروی واقعیت‌ها – یعنی تهدید این که تعرفه‌های ترمپ رفاه نسبی کنونی بخش‌های بزرگی از جمعیت ایالات متحده را به خطر خواهد انداخت – زنگ‌های خطر را به صدا درآورده است. بسیاری که غرق در بحث‌های عقیم درباره مطلوبیت بیشتر یا کمتر حمایت‌گرایی یا تجارت آزاد بوده‌اند، علی‌رغم اختلافات ایدئولوژیک خود، مجبور شده‌اند بپذیرند که ثروت ایالات متحده تا حد زیادی از تجارت خارجی آن تغذیه می‌شود.

ایالات متحده در واقع کشوری با بزرگترین کسری تجاری جهان است. در سال ۲۰۲۴، کسری کل سالانه آن تقریباً به ۱ تریلیون دلار و کسری تجارت کالا به بیش از ۱.۲ تریلیون دلار رسید [۱]. با این حال – و اینجاست که کلید مسأله نهفته

است - اگر بخش بزرگی از این واردات (به طور جزئی یا کامل) از کشورهای جنوب جهانی نمی‌آید، این کسری حتی بزرگتر می‌بود. به عنوان مثال، شبکه‌های اجتماعی و برخی رسانه‌ها مقاله‌ای از فوربس را که در سال ۲۰۱۸ منتشر شده بود، دوباره منتشر کردند و در آن هشدار داده شده بود که یک آیفون که به طور کامل در ایالات متحده تولید شود، می‌تواند بین ۳۰,۰۰۰ تا ۱۰۰,۰۰۰ دلار قیمت داشته باشد [۲]. اگرچه این ادعا مطمئناً اغراق‌آمیز است، اما جهت درستی را نشان می‌دهد: انتقال تولید کالاهای وارداتی از جنوب جهانی به معنای افزایش چشمگیر قیمت این محصولات خواهد بود.

بنابراین، تهدید حمایت‌گراییانه ترمپ یک دوراهی را ایجاد می‌کند که هیچ یک از گزینه‌های آن چندان خوشایند نیست. از یک سو، انتقال تولید نه تنها از نظر لجستیکی غیرممکن به نظر می‌رسد، بلکه مهمتر از همه به این دلیل که سطح دستمزد در ایالات متحده قیمت کالاها را به طور گزافی افزایش می‌دهد - یا، به طور متناوب، به این دلیل که نیاز به حفظ سودآوری تولید، سرمایه ایالات متحده را مجبور به خرد کردن دستمزدهای محلی می‌کند؛ - از سوی دیگر، ادامه واردات همان کالاها، اما با قیمت‌های سنگین شده توسط تعرفه‌ها، به طور قابل توجهی به سطح مصرف جمعیت ایالات متحده آسیب می‌رساند. با ادامه مثال آیفون، برخی تخمین‌های جدیدتر نشان می‌دهد که اگر تعرفه‌های پیشنهادی واقعاً اجراء شوند، قیمت گران‌ترین مدل آخرین آیفون می‌تواند از ۱۵۹۹ دلار به ۲۳۰۰ دلار یا حتی ۳۵۰۰ دلار افزایش یابد [۳]. بنابراین، ما در مورد افزایش قیمتی صحبت می‌کنیم که می‌تواند از ۴۰٪ تا ۱۲۰٪ رقم فعلی متغیر باشد.

آنچه در اینجا در مورد آیفون گفته شد، البته می‌تواند به هر کالای مصرفی انبوه دیگری که از خارج وارد می‌شود نیز تعمیم یابد. بنابراین، اگر قیمت تمام کالاهای وارداتی ایالات متحده ۵۰٪ افزایش یابد چه اتفاقی می‌افتد؟ این بدان معناست که در غیاب افزایش چشمگیر دستمزدها، سطح واقعی مصرف جمعیت ایالات متحده باید به طور قابل توجهی کاهش یابد تا با سطح قیمت جدید سازگار شود. تعرفه‌ها، از این نظر، تنها پیش‌درآمد کوچکی از آنچه خواهد بود اگر اقتصاد ایالات متحده مجبور شود گران‌تر از بقیه جهان خرید کند.

این احتمال منعکس‌کننده واقعیت اساسی است که تمام نظریه‌های مبادله نابرابر برای دهه‌ها به آن توجه کرده‌اند، یعنی این که کشورهای ثروتمند ارزان می‌خرند و گران می‌فروشند، در حالی که، به عکس، کشورهای فقیر گران می‌خرند و ارزان می‌فروشند. این عدم تقارن تجاری بین کشورهای ثروتمند و کشورهای فقیر، که مکانیسم اساسی استثمار امپریالیستی در روزگار ما را تشکیل می‌دهد، در اساس تمام بحث‌ها در مورد تعرفه‌های ترمپ قرار دارد. اما مبادله نابرابر دقیقاً چگونه عمل می‌کند؟

امپریالیسم و تجارت بین‌الملل

خرد متعارف اقتصاد نئوکلاسیک، از یک سو، تأیید می‌کند که تمام مبادلات تجاری، مبادله معادل‌ها هستند، و از سوی دیگر، تجارت بین‌الملل تخصصی را ایجاد می‌کند که برای همه کشورهای درگیر سودمند است. با این حال، نظریه مبادله نابرابر دقیقاً به عکس این را ادعا می‌کند: در تجارت بین‌الملل، برخی کشورها سود می‌برند و برخی دیگر ضرر می‌کنند. اگرچه به تعداد نویسندگانی که از مفهوم مبادله نابرابر استفاده کرده‌اند، توضیحات مختلفی برای این پدیده وجود دارد، اما می‌توانیم عناصر اصلی این نظریه را از طریق کار نماینده اصلی آن، آرگیری امانوئل [۴]، تعریف کنیم. این ارائه مختصر، به نوبه خود، توضیح خواهد داد که چگونه و چرا ایالات متحده - و به طور کلی، همه کشورهای ثروتمند - از طریق تجارت به هزینه کشورهای فقیر ثروتمند می‌شوند.

در صورت‌بندی امانوئل، نظریه مبادله نابرابر محدود به مقایسه قیمت کالاها تعیین شده برای تجارت بین‌المللی در دو سناریوی مختلف است: یکی جایی که تحرک بین‌المللی نیروی کار گرایشی به سوی یکسان‌سازی دستمزدها در مقیاس جهانی ایجاد می‌کند، و دیگری جایی که، به عکس، بی‌تحرکی نسبی بین‌المللی نیروی کار امکان حفظ اختلافات دستمزدی عظیم بین برخی کشورها و کشورهای دیگر را فراهم می‌آورد. در حالت دوم – که به نحو مناسبی واقعیت سرمایه‌داری امروز را توصیف می‌کند – ساختار قیمت بین‌المللی حاصل، از طریق عملکرد آزاد نیروهای بازار، منجر به وخامت شرایط تجارت کشورهای با دستمزد پائین می‌شود. این وخامت، بدین ترتیب، به کشورهای با دستمزد بالا اجازه می‌دهد تا بیشتر را با بهای کمتر بخرند و به عکس، کشورهای با دستمزد پائین را مجبور می‌کند تا بیشتر را با بهای کمتر بفروشند.

Country	Constant capital	Variable capital	Capital gain	Product value	Average win rate	Price
A	200	100	50	350	25%	375
B	100	200	100	400	25%	375
Total	300	300	150	750	25%	750

نمودار ۱

بیانید یک مثال عددی ساده را در نظر بگیریم که رابطه تجاری بین دو کشور A و B را توصیف می‌کند [۵]. کشور A ترکیب ارگانیک سرمایه بالاتری نسبت به B دارد: در این حالت، نسبت سرمایه ثابت به سرمایه متغیر در کشور A، 2 به ۱ و در کشور B، ۱ به ۲ است. با این حال، نرخ استثمار در هر دو کشور یکسان است: نسبت ارزش اضافی به سرمایه متغیر در A، ۵۰ به ۱۰۰ و در B، ۱۰۰ به ۲۰۰ است، به طوری که نرخ استثمار در هر دو کشور به ۵۰٪ می‌رسد. تحت شرایط تحرک آزاد سرمایه بین A و B، یک نرخ سود متوسط – معادل نسبت بین کل ارزش اضافی و سرمایه اولیه سرمایه‌گذاری شده توسط هر دو کشور – به میزان ۲۵٪ شکل خواهد گرفت. پس از تعیین این سود متوسط، قیمت نهایی کالاهای A و B به مجموع ارزش سرمایه اولیه سرمایه‌گذاری شده به اضافه سود ۲۵٪ خواهد رسید. از آنجایی که مجموع سرمایه اولیه در A و B یکسان بود، قیمت کالاهای مربوطه آنها نیز ۳۷۵ خواهد بود. در این شرایط، تراز تجاری هر دو کشور در تعادل است. درست است که کشوری با ترکیب ارگانیک سرمایه کمتر، توده ارزش بیشتری (۴۰۰) را عرضه می‌کند تا آنچه که توسط قیمت کالاهای آن (۳۷۵) بیان می‌شود، در حالی که، به عکس، کشوری با ترکیب ارگانیک سرمایه بیشتر، ارزش بیشتری (۳۷۵) را به دست می‌آورد تا آنچه که در واقع در کالاهای آن (۳۵۰) تجسم یافته است. با این حال، این شکل از عدم تعادل بودن، که امانوئل آن را مبادله نابرابر «به مفهوم وسیع» می‌نامد، مکانیسم کلیدی استثمار بین‌المللی نیست. سؤال اساسی دیگری است: چه اتفاقی می‌افتد وقتی – همانطور که در واقع در اقتصاد سرمایه‌داری جهانی رخ می‌دهد – دستمزدهای A و B نسبت به وضعیت تعادل اولیه در نظر گرفته شده، متفاوت می‌شوند؟

فرض کنیم که به هر دلیلی، دستمزدها در A افزایش و در B کاهش می‌یابد، به طوری که مقدار سرمایه متغیر در مورد A از ۱۰۰ به ۱۱۰ و در مورد B از ۲۰۰ به ۱۰۰ می‌رسد. اگر شرایط فنی فرآیند کار تغییر نکند و ارزش نهایی محصول ثابت بماند، آنگاه تفاوت دستمزدها تأثیر انحصاری بر مقدار ارزش اضافی دارد، که به همان میزانی که

دستمزدها تغییر می‌کنند، افزایش یا کاهش می‌یابد. بنابراین، ارزش اضافی در A از ۵۰ به ۴۰ کاهش می‌یابد، اما در B از ۱۰۰ به ۲۰۰ افزایش می‌یابد. نرخ سود متوسط اکنون به ۴۷٪ افزایش می‌یابد، و بنابراین قیمت نهایی کالاهای A و B به ترتیب ۴۵۶ و ۲۹۴ می‌شود.

Country	Constant capital	Variable capital	Capital gain	Product value	Average win rate	Price
A	200	110	40	350	47%	456
B	100	100	200	400	47%	294
Total	300	210	240	750	47%	750

نمودار ۲

در این شرایط جدید، کشور B مجبور است مقدار صادرات خود را افزایش دهد اگر بخواهد - یا بسادگی نیاز داشته باشد - همان مقدار کالائی را که قبلاً از A وارد می‌کرد، به واردات ادامه دهد. به عبارت دیگر: کشور B در نهایت برای همان مقدار، بیشتر عرضه می‌کند، زیرا تغییرات قیمت ناشی از اختلاف دستمزد بین A و B به نفع کشوری است که افزایش دستمزد را تجربه می‌کند، در حالی که، به عکس، به کشوری که کاهش دستمزد را تجربه می‌کند، آسیب می‌رساند. به طور خاص، B نیاز دارد تا ۵۵٪ مقدار محصول صادراتی خود را افزایش دهد تا در ازای آن همان مقدار محصولی را که قبلاً از A دریافت می‌کرد، به دست آورد. بنابراین، نتیجه قیمت‌های جدید بین‌المللی این است که کشور A، بدون این که ذره‌ای سطح تولید خود را افزایش داده باشد، اکنون می‌تواند مقدار بیشتری از محصول B را تصاحب کند. این تصاحب را می‌توان از نظر ارزش، ساعات کار یا منابع به کار رفته در تولید اندازم‌گیری کرد، اما، هر معیاری که باشد، یک انتقال خالص ثروت از کشورهای با دستمزد پائین به کشورهای با دستمزد بالا را تشکیل می‌دهد. از این نظریه دو نتیجه اساسی به دست می‌آید:

* - عملکرد ساده قوانین بازار می‌تواند، حتی در غیاب سایر عوامل مشروط کننده (اعوجاج قیمت انحصاری، اجبار سیاسی-نظامی، صادرات سرمایه و غیره)، به روابط استثمار بین‌المللی مبتنی بر تصاحب سیستماتیک ارزش اضافی، منابع یا کار دیگران توسط کشورهای ثروتمند منجر شود.

* - سطح بالای مصرف در کشورهای ثروتمند، حداقل تا حدی، مبتنی بر تصاحب مداوم این ارزش اضافی، منابع یا کار دیگران است که کشورهای با دستمزد پائین از طریق شرایط نابرابر تجارت «به رایگان» به کشورهای ثروتمند منتقل می‌کنند.

نتیجه اول مهم است، زیرا توضیح می‌دهد که چگونه تقسیم کار بین‌المللی یک پویایی توسعه قطبی شده در مقیاس جهانی را ایجاد و بازتولید می‌کند؛ نتیجه دوم، زیرا توضیح می‌دهد که چگونه اجماع اجتماعی در داخل کشورهای ثروتمند توسط استثمار کشورهای فقیر حفظ می‌شود. بنابراین، تا زمانی که رژیم مرزی خشونت‌آمیز کشورهای غربی از تحرک آزاد نیروی کار جلوگیری می‌کند و در نتیجه پرولتاریای جهانی توسط شکاف دستمزدی عظیمی تقسیم می‌شود [۶]، تجارت خارجی به بارانه دادن به سطح بالای مصرف در کشورهای ثروتمند ادامه خواهد داد.

حمایت‌گرایی و تجارت آزاد

از این دیدگاه، برنامه‌های حمایت‌گرایانه ترمپ تهدید می‌کند که اقتصاد ایالات متحده را به یک دوراهی سوق دهد. در نهایت، برای کشورهای امپریالیستی، کاهش جریان کالاهای ارزان از جنوب جهانی تنها دو امکان را باز می‌کند: یا یک کاهش شدید در سطح مصرف جمعیت محلی، که به همان اندازه که قیمت واردات و/یا جانشین‌های محلی آن افزایش می‌یابد، قدرت خرید خود را از دست خواهد داد؛ یا یک افزایش عظیم در کار انجام شده توسط خود جمعیت محلی، که باید نرخ تولید خود را به همان اندازه افزایش دهد که برای حفظ سطح مصرفی که تاکنون از آن برخوردار بوده است، لازم است.

بدون شک یک راه حل جایگزین برای این دوراهی وجود دارد: ایجاد یک مدل برنامه‌ریزی سوسیالیستی، قادر به مدیریت عقلانی منابع و هدایت تولید به سمت تأمین نیازهای اساسی کل جامعه. متأسفانه، در کوتاه مدت و میان مدت، این راه به نظر کمترین احتمال را در بین همه دارد، دقیقاً به این دلیل که مبادله نابرابر برای دهه‌ها به آشتی طبقاتی در داخل کشورهای ثروتمند دامن زده است. تنها گسست از مدل انباشت امپریالیستی – با تمام آنچه که این امر مستلزم آن است – می‌تواند این اجماع را بشکند و پایه‌های گذار جهانی به سوسیالیسم را بنا نهد.

در این میان، بخش‌های متعددی از چپ تصمیم گرفته‌اند در برابر پیشنهادات ترمپ موضع بگیرند و از تجارت آزاد دفاع کنند، با این استدلال که این امر به خالص‌ترین توسعه مبارزه طبقاتی کمک می‌کند، موضع ارتدوکس مارکسیستی است یا، بسادگی، حمایت‌گرایی یک سیاست اساساً ارتجاعی را تشکیل می‌دهد. همه این توجیهات اشتباه است. از این گذشته، تحت شرایط مبادله نابرابر، تجارت آزاد چیزی جز تداوم جریان ثروت از جنوب جهانی به اقتصادهای مرکزی امپریالیسم را به همراه ندارد.

این بدان معنا نیست که ما باید، در مقابل، از سیاست‌های تعرفه‌ی ترمپ حمایت کنیم. کاری که باید انجام دهیم این است که بحث‌ها را در زمینه واقعی خود قرار دهیم و در اینجا، مشکل تصمیم‌گیری در مورد مطلوب‌ترین راه حل برای جمعیت ایالات متحده نیست، بلکه درک این است که این «راه حل» به چه قیمتی خریداری می‌شود. زیرا، اگر رفاه اقلیت پرولتاریای جهان قرار است فقر بقیه را حفظ کند، پس باید بسیار واضح باشیم: هر مارکسیست غربی که از تجارت آزاد دفاع می‌کند، در نهایت چیزی جز تداوم امتیازات خود را دفاع نمی‌کند. بنابراین، تنها از یک موضع ضد امپریالیستی اصیل می‌توانیم بر این تصور منسوخ از مارکسیسم غلبه کنیم، یک موضع سیاسی مستقل توسعه دهیم و از این طریق، به غلبه انقلابی بر شیوه تولید سرمایه‌داری کمک کنیم.

یادداشت‌ها

[۱] <https://www.bea.gov/data/intl-trade-investment/international-trade-goods-and-services>

[۲] <https://www.forbes.com/sites/quora/2018/01/17/how-much-would-an-iphone-cost-if-apple-were-forced-to-make-it-in-america/>

[۳] <https://www.forbes.com/sites/davidphelan/2025/04/10/apple-iphone-panic-buying-reported-before-possible-price-rises—should-you-buy/>

- [۴] امانوئل، آ. (۱۹۷۲). مبادله نابرابر. مطالعه‌ای در مورد امپریالیسم تجارت. انتشارات Monthly Review.
- [۵] ساو، آر. (۱۹۷۸). مبادله نابرابر، امپریالیسم و توسعه نیافتگی: مقاله‌ئی در اقتصاد سیاسی سرمایه‌داری جهانی. کلکته: انتشارات دانشگاه آکسفورد.
- [۶] هیکل، ج، لموس، م. و باربور، اف. (۲۰۲۴). «مبادله نابرابر کار در اقتصاد جهانی». Nature Communications (2024) 15: 6298